



جایگاه نظم عمومی در مقررات قصاص نفس

راشین زیا^{۱*}، احمد احمدی^۲

۱- دانشجوی ارشد، رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد مهاباد

۲- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد

* ایمیل مسئول اول درج شود.

چکیده

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل

دریافت: ۱۴ اسفند ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲

ارائه در سایت: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

کلید واژگان:

نظم عمومی

قصاص

قصاص نفس

جایگاه

جامعه

قانون مجازات اسلامی

امنیت عمومی

عبارت نظم عمومی همواره از مفاهیم بنیادین، معمول و در عین حال پر چالش در قلمرو حقوق است و هرچند ممکن است در موارد مختلفی طرح گردد ولی متصف شدن آن با واژه عمومی و ظهور اصطلاح نظم عمومی در دنیای حقوق، مفهوم متمایزی بوجود می‌آورد که راه حمایت و حفاظت از نهادهای حقوقی و همچنین ثبات و تداوم مصالح و منافع تمام اقشار مردم، هموار نموده و در لوای آن مقنن می‌تواند با وضع قوانین موضوعه، نسبت به نهادینه نمودن نظم عمومی در جامعه اقدام کند؛ در میان قواعد و قوانین تبیینی مقنن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را مطرح نموده است که یکی از ارکان آن، قانونی بودن محکمه است یعنی نباید اجازه دهیم هرکس که به گمان خود فردی را مستحق کشتن تشخیص داد خودش صادر کننده و مجری حکم باشد پس تحصیل اهداف مقنن از تدوین قوانین، نیازمند تحقق نظم عمومی است و هرچقدر که عرف در جوامع قوی باشد باز هم به تنهایی قادر به ایجاد و برقراری نظم عمومی نخواهد بود از آنجائیکه نظم عمومی بواسطه آنکه یکی از مهمترین و اساسی‌ترین محدودیت‌های اراده شناخته شده است؛ در حقوق از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است لیکن حقوقدانان هنوز با اتفاق نظر تعریفی مشخص و واحد از نظم عمومی ارائه ندادند؛ در این مقاله پس از بررسی تاریخچه نظم عمومی، جایگاه آن در مقررات قصاص نفس مورد بررسی قرار گرفته است.

The position of public order in the provisions of self-retribution

Rashin Zia^{1*} Ahmad Ahmadi²

1- Master's student, criminal law and criminology, Azad University of Mahabad

2- Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad

* email:

Article Information

Original Research Paper

Received 2023-03-05

Accepted 2023-04-04

Available Online 2023-04-28

Keywords:

public order

revenge

self-revenge

position

Society

Islamic Penal Code

Public safety

Abstract

In this paper, the result of a numerical study on the natural convection in an inclined T shap cavity filled with Water-Cu nanofluid with the presence of a constant magnetic field was investigated. A heat source embedded on the bottom wall of enclosure, the upper wall is cold and the other walls are adiabatic. Discretization of the governing equations are achieved through a finite volume method and solved with SIMPLE algorithm. The Hartmann number has been varied from 0 to 80 and the cavity has been twisted under the angles between 0 to 90 degrees. The findings of study show that the effect magnetic field on the average Nusselt number is higher in high Reyleigh number. In $Ra=10^5$, the increase in nanofluid, to the Hartman number 20, contributes to decrease of the average number and in the Hartman number 40 and more, causes the average Nusselt number to increase. In $Ra=10^6$, the increase in nanofluid, to the Hartman number 20, contributes to increase of the average number and in the Hartman number 40 and more, causes the average Nusselt number to decrease. The results also indicate that, the maximum heat transfer, in $Ra=10^5$ and $Ra=10^6$ accure at 67.5° angle. the minimum heat transfer, in $Ra=10^5$ and $Ra=10^6$ accure at 0° and 22.5° angle respectively.

۱- مقدمه

زمینه تکامل مقررات جزایی را فراهم سازد [۳]؛ در واقع ایندو به منزله دو اهرم ویژه و خاصی هستند که به ارتقای مقررات موضوعه کمک قابل توجهی می‌نمایند چنین تمایلی در تدوین برخی مقررات جزایی ناظر بر قصاص نفس در قانون مجازات جدید به وضوح قابل رؤیت می‌باشد؛ با توجه به مطالبی که عنوان گردید طرح موضوع اصلی این نوشتار یعنی جایگاه نظم عمومی در مقررات قصاص نفس با بررسی تاریخچه نظم عمومی، تحلیل خلاءهای تقنینی و در نهایت جایگاه نظم عمومی را در قوانین کیفری با تأکید بر قصاص مورد توجه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲- بیان مساله

اصطلاح نظم عمومی که متشکل از دو کلمه نظم به معنای آراستن و ترتیب دادن [۴] و عمومی به معنای شامل شدن و فراگیر [۵] است؛ در مفهوم حقوقی آن به مجموع تأسیسات و قواعدی که در یک کشور به منظور حفظ نظم و جریان خدمات عمومی در روابط مردم برقرار شده اطلاق می‌شود که افراد اصولاً نمیتوانند به وسیله تراضی و قرارداد آنها را نقض نمایند. نظم عمومی در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها کم و بیش مورد توجه بوده است؛ به نظر می‌رسد در تمدن مغرب زمین، سابقه نظم عمومی، مولود انقلاب کبیر فرانسه بوده باشد هرچند که روح کلی آن در حقوق قدیم رم وجود داشته است زیرا به رغم آنکه واژه نظم عمومی به صراحت ذکر نشده، تعبیر اخلاق حسنه، همان نظم عمومی را در آن زمان ایفاء می‌کرده است [۶].

هرچند حقوق دانان در ارتباط با نظم عمومی به معنای واحدی که نسبت به آن متفق‌القول باشند نرسیده‌اند لیکن در تقسیمات نظم عمومی، به دو گروه نظم عمومی سیاسی و نظم عمومی اقتصادی اشاره داشته‌اند؛ نظم عمومی سیاسی را شامل قواعدی دانسته‌اند که مانع از ورود آسیب از سوی شهروندان به ارکان و نهادهای اساسی جامعه می‌شود و نظم عمومی اقتصادی چنین تعریف نموده‌اند که شامل قواعدی است که دولت‌ها با تکیه بر آن‌ها توزیع عادلانه ثروت را در اجتماع، مدیریت و رهبری مینمایند [۷]. دقت و تأمل در تعاریف مذکور نشان‌دهنده آنست که در راستای حفظ و حمایت از نظم عمومی علاوه بر لزوم رعایت آن قواعد از سوی شهروندان و پرهیز از نقض آن قواعد و دستورها، توجه به وظایف مهم قانونگذار که همانا ایجاد قواعد و مقررات جامع و مانع جهت پرهیز از هرگونه هرج و مرج و بی‌نظمی بوده، بسیار با اهمیت ارزیابی می‌شود. در واقع اگر مقنن به جهت عدم درک صحیح از نظم عمومی یا عدم حراست کافی از آن، اقدام به تدوین برخی از مقرراتی نماید که خود جرم‌زا بوده یا زمینه برهم خوردن نظم عمومی را فراهم آورد، به مانند همان شهروندانی خواهد بود که به نقض قواعد حاوی نظم عمومی پرداخته است، مانند اینکه مقنن خود از اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی عدول کرده و طبق ماده ۲۸۰ همان قانون اجازه داده است هر کس یا گروهی در مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد عملش شامل جرم محاربه نباشد و حتی برای او تعزیری هم در نظر گرفته نشود یا براساس بندهای الف، ب و پ ماده ۳۰۲ اگر مجنی‌علیه مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات، جرم حدی مستوجب قطع عضو یا مستحق قصاص نفس یا عضو شده باشد و کسی او را حسب مورد بکشد، یا صاحب حق قصاص به مقدار آن قصاص کند و یا او را قطع عضو کند، به قصاص یا دیه محکوم نمی‌شود یعنی به زعم خود او را مهدورالدم تشخیص و خودسرانه مرتکب قتل یا قطع عضو گردد و آنگاه دادگاه فقط می‌تواند (یعنی اجبار و الزامی ندارد) براساس ماده ۴۴۷ تعزیر کند یا در جایی دیگر شوهر اجازه داشته باشد تا هرگاه همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده

اصطلاح نظم عمومی در فقه و حقوق، اصطلاح شناخته شده‌ای است و متون فقهی و حقوقی بسیاری، در بردارنده این واژه است و تعاریف متعددی از آن به عمل آمده است، لیکن برای تشخیص مصادیق نظم عمومی ضابطه دقیقی ارائه نشده است و نمی‌توان از تمام آن تعاریف چنین ضابطه‌ای را به دست آورد. نقطه مشترک مذکور در این تعاریفها، ارتباط مفهوم نظم عمومی با منافع و مصالح عمومی جامعه است. از این رو، برخی از حقوقدانان [۱] منافع عمومی را ضابطه تعیین قواعد امری می‌دانند و قوانینی را که به منظور حفظ منافع جمعی افراد یک جامعه وضع می‌شوند، قوانین دارای جنبه نظم عمومی و امری می‌نامند بدیهی است که غالب قوانین، جنبه اجتماعی دارد و مصلحتی عام در وضع آن، مد نظر قانونگذار بوده است بنابراین، چنین ضابطه‌ای به تنهایی نمی‌تواند تعیین کننده قاعده امره و مفهوم نظم عمومی باشد؛ محرک قانونگذار در وضع بسیاری از قواعد موجود، مصلحت عمومی است ولی مصلحت مربوط به آزادی اراده افراد، از دید قانونگذار بر مصلحت عمومی ترجیح داده شده است و در پاره‌ای از موارد نیز استیفای مصلحت عمومی، به مراتب در نظر قانونگذار مهم‌تر بوده و موجب گردیده است تا قانون با نظم عمومی مرتبط گردد [۲]. به نظر می‌رسد نظم عمومی قواعدی را در بر می‌گیرد که همگان باید به آن احترام بگذارند تا نظام اجتماع حفظ شده و از هم نپاشد؛ بنابراین دولت موظف است با وضع قوانین منجمله مقررات کیفری، نظم عمومی را حفظ نموده و بنا به اهمیت حفظ نظم در جامعه، ضمن نظارت بر نحوه اجرای صحیح مجازات‌ها، زمینه رعایت این مقررات را با زبان امرانه قانونی تأمین کند یعنی دولت برای این که بسیاری از امور حقوقی، مدنی و تجاری به درستی و بدون اختلال در نظم و امنیت عمومی در جامعه اجرا شوند، از حقوق جزا به عنوان ضمانت اجرائی محکم در کنترل و برخورد با جرائم استفاده می‌کند؛ با توجه به ارتباط نزدیک مسائل جزایی با مقوله حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه از یکسو و وجود دیدگاه‌های متفاوت فقهی در اکثر موضوعات جزایی در میان فقها از سوی دیگر، کیفیت انتخاب رویکرد فقهی مورد پسند مقنن از اهمیت بسیار برخوردار شده است؛ انتخاب آگاهانه مقنن نسبت به فتاوی تأمین کننده امنیت عمومی در مقررات ناظر بر قصاص نفس در قانون مجازات جدید، بسیار ملموس و آشکار است، حمایت کیفری از تمام بزه دیدگان قتل، پذیرش درخواست دیه از سوی اولیاءدم بدون رضایت قاتل، توسعه ضمان بیت المال جهت جلوگیری سوءاستفاده برخی مجرمین، جرم انگاری قتل قاتل توسط اولیاءدم بدون اذن دادگاه و نیز پذیرش عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در شخصیت در قانون جدید مشهود بوده و صراحت دارد جلوه‌هایی که می‌تواند از یکسو نشان از افزایش اهمیت حفظ نظم و امنیت عمومی از سوی قانونگذار تلقی شود و از سوی دیگر، این امید را در جامعه حقوقی روزافزون کند که ترجیح دیدگاه های فقهی، تأمین کننده امنیت عمومی از سوی مقنن، در هنگام تدوین سایر مقررات جزایی به مثابه یک روش عام مورد پذیرش واقع شود [۳].

لزوم حمایت از نظم عمومی در مقررات کیفری و ضرورت توجه به آن به عنوان یکی از نیازهای مهم جرم انگاری در تدوین مقررات جزایی، در زمره مهمترین موضوعاتی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ توجه کافی به این معیار به این معناست که مقررات کیفری همسو با اهداف خود قرار دارد و قانون مجازات جدید قدم‌های مقدماتی را در برای نیل به این هدف به درستی برداشته است؛ علاوه بر این بهره‌مندی مقنن از ظرفیت‌های حقوقی موجود در دکتترین حقوقی و همچنین رویکردهای قضایی کارآمد می‌تواند

قتل، ملاک و ضابطه مهدورالدم بودن شمرده شده است؛ در این باره محقق حلی مهدورالدم را چنین تعریف کرده است: «هرکس که شرع ریختن خون او را مباح دانسته است» [۱۱].

در مورد بندهای الف و ب ماده ۳۰۲ نظر مشهور فقهای عظام آن است که کسی که مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات و مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو را بدون حکم حاکم به قتل برساند؛ گرچه مرتکب حرام شده و دارای مجازات است، لیکن قصاص نمیشود برخی از فقهای عظام بر این امر ادعای اجماع کرده‌اند و برخی تصریح کرده‌اند حتی اگر مرتکب مهدورالدم را به شکل دیگری که شارع تعیین کرده است بکشد مانند آن که مجازات او رجم بوده ولی مرتکب، وی را با گلوله به قتل رسانده باشد، مجازات مرتکب از نوع قصاص نخواهد بود مستند فقهی دیدگاه مذکور عبارت است از:

الف: موضوع قصاص در ادله شرعی، قتل و جنایتی است ظالمانه؛ جنایت مورد بحث به عنوان قتل، ظالمانه نیست؛

ب: عدم قصاص؛ مطابق با احتیاط در دماء و قاعده درأ است؛

برخی از فقها بر خلاف بحث قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در همین بحث، علاوه بر قانون تعزیرات، قتل در فراش به عنوان یکی از استثنای اصل قضایی بودن مجازات صریحاً مورد اشاره قرار گرفته است؛ تسری این حکم صرفاً به شوهر بعد از انقلاب اسلامی و اختصاص آن به زن و مرد زناکار و نه سایر بستگان، می‌تواند اقدامی مثبت از این حیث تلقی شود [۱۰]. واقعیت این است که این مسئله دارای مخالفینی هم می‌باشد و نقاط ابهام فراوانی در مورد آن وجود دارد علیرغم اشاره بند ث در تبصره ماده ۳۰۲ قانون جدید باید گفت: در این حالت نیز در قتل زن و مرد زناکار، شوهر مکلف به اثبات ادعای خود در دادگاه باشد متأسفانه قانونگذار با عدم اشاره به این بند در تبصره یک، چنین توهمی را ایجاد کرده که بر خلاف بندهای تبعی که باید مرتکب از دادگاه اجازه داشته باشد چنین اجازه و نظارتی در کار نیست این مواد بیان کننده و نشان دهنده دوره خاصی از عدالت کیفری و تجویز آن می‌باشد این مهم خود میتواند در عمل جرم زا باشد [۱۲]. حال اگر اتصاف به جرم‌زدا شدن عمل را در نظر بگیریم آنچه با تمام وجود خودنمایی خواهد نمود نظم عمومی است چراکه اگر هرکسی به زعم آنکه اجازه دارد فردی را به قتل برساند مرتکب قتل شود نظام جامعه از هم گسسته شده و در عمل نه تنها اهداف عالی مقتن محقق نمی‌گردد بلکه هرج و مرج در جامعه شیوع می‌یابد و اساس و پایه اجتماع از هم گسسته می‌گردد؛ امروزه حفظ نظم عمومی از جمله تکالیف اصلی و حائز اهمیت دولت‌هاست، نظم عمومی نیز خود دارای عناصری است که در واقع این عناصر شالوده مفهوم نظم عمومی را پیریزی نموده‌اند؛ این عناصر عبارتند از امنیت عمومی، بهداشت عمومی، آسایش عمومی، اخلاق حسنه و کرامت انسانی که هرکدام از آنها در نظام‌های حقوقی گوناگون تعاریف مختلفی دارند و خود نیز دارای جایگاه تعریف شده- ای در ساختار هر نظام حقوقی می‌باشند [۱۳]. پیشتر گفته شد حفظ نظم عمومی از اهم وظایف دولت‌هاست و در این راستا در نظام‌های مختلف حقوقی به دولتها اختیارات لازم اعطا شده است هرچند این اختیارات نامحدود نیستند و باید به گونه‌ای باشند که حقوق و آزادی‌های شهروندان مخدوش نگردد؛ بنابراین حفظ نظم عمومی یک ضرورت عقلی و اشکار است و دستیابی به آن از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی‌توان مصلحتی را مهم- تر از حفظ آن دانست [۱]. پس به طور کلی نظم عمومی محدودیت‌هایی را برای افراد در نظر می‌گیرد تا منع ضرر زدن افراد به مصالح جامعه شود و به

کند، بدون محاکمه هر دو را بکشد و یا یک نفر با سبق تصمیم، قصد جان فرد بی‌گناهی را می‌کند از طرفی هم می‌داند که اگر او را بکشد، قصاص خواهد شد بنابراین، راه بهتر و آسانتری (اکراه به قتل) را انتخاب می‌نماید؛ زیرا نهایت مجازات اکراه‌کننده حبس ابد خواهد بود؛ در اینجا این سؤال مهم پیش می‌آید که پس جای حفظ نظم عمومی در این مواد کجاست؟ [۸]. مطالعه تحولات تقنینی ناظر بر مقررات کیفری به شکل عام و مقررات ناظر بر مقررات قصاص نفس به شکل خاص، نشانگر عدم اهمیت کافی به نظم عمومی و لزوم حراست بیشتر از آن از سوی مقتن است به عبارتی، پذیرش نظم عمومی به عنوان یکی از مبانی جرم انگاری حتی در مواردی که امکان پذیرش آن از سوی قانونگذار وجود داشته است چندان مورد توجه کافی و شایسته قرار نگرفته است؛ باوجود این، مطالعه مقررات ناظر بر قصاص نفس در قانون مجازات اسلامی جدید و مقایسه آن با مقررات پیشین، نشانگر آن است که در بسیاری از موارد، قانونگذار، گام‌های بلندی برداشته است در واقع قانونگذار با احساس ضرورت نسبت به حمایت کافی از نظم عمومی و علی‌رغم وجود برخی محدودیت‌های فقهی و شرعی، با انتخاب هوشمندانه از میان فتاوی موجود، به تنظیم مقرراتی پرداخته است که به شکل شایسته‌تری می‌تواند زمینه حمایت از نظم و امنیت عمومی جامعه را فراهم سازد [۸]. بزرگترین معضلی که در سالهای اخیر شاهد آن بوده‌ایم انجام فعل قتل به بهانه اعتقاد بر گناهکار بودن مجنی‌علیه یا مهدورالدم دانستن وی می‌باشد؛ تشخیص و شناخت مهدورالدم یا مستحق قصاص بودن یک امر قضایی است که نیاز به آگاهی‌های حقوقی و تجارب قضایی فراوان دارد تشکیل دادگاه کیفری استان با پنج نفر قاضی برای رسیدگی به جرایمی با مجازات اعدام، قصاص و امثال آنها نشان دهنده ضرورت علم و تجربه فراوان برای رسیدگی به اینگونه پرونده‌ها است [۹]؛ بنابراین اشتباه اشخاص عادی در تشخیص مهدورالدم بودن یا نبودن فردی، یک امر کاملاً قابل پیش بینی است و با مدنظر قراردادن همین موضوع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشکالات قوانین سابق را رفع کرده است؛ به عنوان مثال مواردی از جنایت که مجازات آن قصاص نیست به شکل متفرق و پراکنده در مواد قانونی آمده بود؛ این نقیصه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتفع شده و این موارد به شکل یکجا در ماده ۳۰۲ همان قانون آمده است [۱۰]. یکی از این موارد مربوط به مفهوم و مصادیق مهدورالدم می‌باشد؛ به موجب ماده ۳۰۲ مقرر شده است: «در صورتی که مجنی‌علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است؛

ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است؛

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود؛

ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود؛

ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهرزانیه در غیر موارد اکراه و اضطراب به شرحی که در قانون مقررات است؛

در ادبیات فقهی «محقون الدم» و «مهدورالدم» دو اصطلاح فقهی در مقابل هم به کار می‌روند؛ محقون‌الدم به کسی گفته می‌شود که به قتل رساندن او ناروا بوده و مستوجب مجازات است، در حالی که مهدورالدم به کسی اطلاق می‌گردد که مستحق قتل است در کتب فقهی مباح و جایز بودن

عبارت دیگر محدودیت فردی در راستای منافع و مصالح جمعی می‌باشد و اختلاف آن باعث خدشه وارد کردن به نظم عمومی است. سیاست کیفری ایران با الهام از منابع فقهی، ضمانت اجرای یکسانی را برای قتل تمامی انسان‌ها پیش بینی نکرده است؛ مهمترین تفاوت در این زمینه انحصار تعیین کیفرقصاص نسبت به بزه‌دیدگان مسلمان است در واقع مقنن بسته به وضعیت اعتقادی بزه‌دیده ضمانت اجرای مختلفی در نظر گرفته است؛ در صورت مسلمان بودن مقتول ضمانت اجرای قصاص در نظر گرفته و هرگاه بزه‌دیده در زمره اقلیت‌های دینی مقبول قانون اساسی ایران باشد ضمانت اجرای دیه به همراه حبس تعزیری تعیین نموده و هرگاه بزه‌دیده خارج از این دو دسته باشد تنها ضمانت اجرای حبس تعزیری معین کرده است [۳].

سیاستی کیفری که بخشی از مطالبات حقوق‌دانان را برآورده ساخته و می‌تواند نظم عمومی جامعه را نیز بهتر تأمین نماید چرا که مرتکب نمی‌تواند به بهانه آنکه مقتول دارای وضعیت اعتقادی خاصی بوده از تمامی مجازات‌ها رهایی یابد. هرگاه منافع و حقوق شهروندان جامعه که بزه‌دیده واقع میشوند به صورت قانونی از سوی حاکمیت تأمین شود از آن جهت که می‌تواند زمینه اجتناب از هرج و مرج، ناامنی و اقدامات خودسرانه از سوی افراد متضرر از بزه را فراهم آورد خود می‌تواند در زمره اقدامات تأمین کننده نظم عمومی در جامعه محسوب شود؛ قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی جدید برای نخستین بار ماده قانونی را تدوین نمود که دارای سابقه تقنینی در دوران پس از انقلاب نبوده است [۳].؛ دقت در کلمات و عبارات به کار برده شده در ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید نشان می‌دهد که مقنن جهت تأمین نظم و امنیت عمومی و نیز اعمال مجازات قصاص بر مرتکبی که احساسات مردم را جریحه دار کرده است به راهکار گسترش موارد پرداخت دیه از بیت المال روی آورده است [۱۴]. یکی دیگر از معیارهای تشخیص وجود اهمیت یا عدم اهمیت به نظم عمومی از سوی قانونگذار نحوه تعامل با مسأله اشتباه در شخص و شخصیت در بزه قتل است، به ویژه این مسأله در نظام کیفری ایران به دلیل خروج از عمدی شدن قتل و تعیین تنها ضمانت اجرای مدنی برای آن از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ توسعه به کارگیری از کیفر قصاص به عنوان مجازات اصلی قتل عمدی، یگانه راه تأمین نظم عمومی در جامعه از سوی قانونگذار نیست بلکه می‌تواند با تکیه بر تنوع بخشی به کیفرهای تعزیری قتل‌های عمدی فاقد قصاص، اقدامات مهمی در این زمینه انجام دهد، قاعدتاً تعیین کیفرهای شدیدتر تعزیری همچون حبس‌های بلند مدت بیست ساله و بیشتر می‌تواند تا حدود زیادی به تأمین نظم عمومی جامعه کمک شایانی نماید [۱۵].

۴- مراجع

- [۱] کاتوزیان، ن. قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۲] الفت، ن. نظم عمومی و الزام به ایفاء تعهدات، نشریه فقه و حقوق، شماره ۷.
- [۳] مجیدی، س.م. جلوه‌های گرایش به نظم عمومی در مجازات اسلامی، نشریه علمی پژوهشی وزارت علوم، شماره ۶.
- [۴] عمید، ح. فرهنگ عمید، چاپ نوزدهم، تهران: امیرکبیر.
- [۵] حبیب، س. فرهنگ بزرگ انگلیسی فارسی. جلد ۱۰، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۶] الماسی، ن.ع. حقوق بین الملل خصوصی. تهران: میزان.
- [۷] صفایی، س.ح. دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها چاپ اول، تهران: میزان.
- [۸] رحیمی، ر. موارد خدشه بر نظم عمومی در قانون مجازات اسلامی، دادستان نظامی استان گلستان.

۳- نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم در خصوص نظم عمومی معیار مکان‌محور یا زمان‌محور در نظام‌های حقوقی سخن بگوئیم پر بی‌راه نخواهد بود و افزون بر آن، ساختار نظام‌های حقوقی و تأثیرپذیری آنها از اندیشه‌های دینی، مذهبی و قومی نیز در تعریف این مفهوم بسیار شایان توجه خواهد بود؛ این مسأله در کشوری چون ایران با نظامی که موازین اسلامی و دینی جزئی از میانی اصلی قانونگذاری آن محسوب می‌شود، نمود عینی متفاوتی به خود می‌گیرد، به طوری که مسائلی چون موازین اسلام، مصالح عمومی و منفعت عمومی، هر کدام می‌توانند به عنوان تعبیری از نظم عمومی در برابر حقوق و آزادی‌های شهروندان مورد استفاده قرار گیرند از طرفی مقررات ناظر بر قصاص نفس در قانون مجازات اسلامی جدید تغییرات مطلوب متعددی را به خود دیده است؛